



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته مطالعات منطقه ای (گرایش اروپا)

موضوع:

عوامل شکل دهنده سیاست خارجی اتحادیه اروپا در حوزه قفقاز جنوبی

(۱۹۹۲-۲۰۱۰)

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر حسین دهشیار

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی

نگارش:

ناصر حضی نیا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## چکیده:

این پژوهش در چارچوب نظریه مطالعات منطقه ای و با تاکید بر اندیشه های کانتوری و اشپیگل در صدد بررسی ریشه ها و زمینه های توجه روزافزون اتحادیه اروپا به حوزه قفقاز جنوبی و بررسی تحولات سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشورهای این منطقه و تاثیر آن بر مسائل سیاسی-امنیتی و اقتصادی اتحادیه می باشد. پس از فروپاشی اتحاد شوروی و به سبب برخی ملاحظات ناسیونالیستی، حاکمیت دولت های غیر مستقل و منازعات منطقه ای نظیر بحران قره باغ، آبخازیا و اوستیای جنوبی و وضع اولویت های سیاسی و اقتصادی اتحادیه اروپا در زمینه انرژی، تجارت و امنیت، این منطقه بتدریج اهمیت بیشتری پیدا نموده و این امر سبب نزدیکی بیشتر اتحادیه به حوزه قفقاز جنوبی و توجه بیشتر به مسائل این منطقه بخصوص ایجاد ثبات و امنیت در منطقه شده است. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی در پنج فصل تنظیم شده و بر این فرض مبتنی است که بعد از ۱۹۹۰ ضرورت امنیت انرژی و گسترش دموکراسی نقش تعیین کننده ای در شکل دادن به سیاست خارجی اتحادیه اروپا در حوزه قفقاز جنوبی داشته و در پایان به این نتیجه می رسد که عوامل تشکیل دهنده سیاست خارجی اتحادیه اروپا در حوزه قفقاز جنوبی از سه دسته موضوعات نشات می گیرد؛ «حکومت دموکراسی و حقوق بشر»، «انرژی و تجارت» و عامل «امنیت». البته اتحادیه اروپا به عنوان یکی از بازیگران اصلی روابط بین الملل، در پیشبرد اهداف خود در این حوزه با دو دسته موانع و محدودیت های درونی و منطقه ای مواجه می باشد.

## تقدیر و تشکر

رساله حاضر، حاصل کمک و راهنمایی بسیاری از اساتید و دانشجویان بزرگواری است که تقدیر و تشکر از زحمات این عزیزان، حداقل قدرشناسی است. از استاد فرزانه و دانشمندم، جناب آقای دکتر دهشیار، که عالمانه به راهنمایی اینجانب پرداختند، قدردانی می‌نمایم. از جناب آقای دکتر دهقانی فیروزآبادی، که مشوق بنده در نگارش پایان نامه بودند، سپاسگزارم و از جناب آقای دکتر جعفری ولدانی به سبب داوری منصفانه و هدایتگرانه این رساله، تشکر می‌نمایم.

از اساتید محترم، آقایان دکتر سلیمی، میرفخرایی، چگینی زاده و از تمام کارکنان دانشگاه علامه طباطبایی بویژه دانشکده حقوق و علوم سیاسی که سهم قابل توجهی در نگارش این رساله داشتند، سپاسگزارم.

**تقدیم به**

**شهیدانی که در هشت سال دفاع مقدس، حماسه ها آفریده**

**و درس راستین**

**عشق ورزی به پروردگار، امام امت و وطن عزیزمان ایران**

**را به ما آموختند.**

## فهرست مطالب

مقدمه ..... ۱

### فصل اول: چارچوب تئوریک سیاست خارجی اتحادیه اروپا

بخش اول: تئوری همگرایی در روابط بین الملل ..... ۱۰

گفتار اول: تعریف همگرایی منطقه ای ..... ۱۰

گفتار دوم: مدل های همگرایی منطقه ای ..... ۱۴

بخش دوم: تئوری نظام های منطقه ای (دیدگاه کانتوری و اشیگل) ..... ۲۱

گفتار اول: تعریف نظام منطقه ای ..... ۲۱

گفتار دوم: متغیرهای های الگویی نظام منطقه ای ..... ۲۴

گفتار سوم: بخش های مختلف نظام منطقه ای ..... ۳۰

### فصل دوم : ژئوپلیتیک حوزه قفقاز جنوبی

بخش اول: وضعیت عمومی قفقاز جنوبی ..... ۳۸

گفتار اول: موقعیت جغرافیایی ..... ۳۸

گفتار دوم: وضعیت اقتصادی ..... ۴۰

گفتار سوم: وضعیت سیاسی ..... ۴۳

بخش دوم: جمهوری های مستقل قفقاز جنوبی	۴۷
گفتار اول: جمهوری آذربایجان	۴۷
گفتار دوم: جمهوری ارمنستان	۵۰
گفتار سوم: جمهوری گرجستان	۵۴
بخش سوم: جمهوری های خودمختار قفقاز جنوبی	۵۸
گفتار اول: جمهوری قره باغ	۵۸
گفتار دوم: جمهوری نخجوان	۶۱
گفتار سوم: جمهوری اوستیای جنوبی	۶۰
گفتار چهارم: جمهوری آبخازیا	۶۵
گفتار پنجم: جمهوری آجاریا	۶۷

### فصل سوم: سیاست خارجی بازیگران منطقه ای و فرا منطقه ای در حوزه قفقاز جنوبی

بخش اول: بازیگران منطقه ای	۶۹
گفتار اول: فدراسیون روسیه	۶۹
گفتار دوم: جمهوری اسلامی ایران	۷۴
گفتار سوم: جمهوری ترکیه	۷۷
بخش دوم: بازیگران فرامنطقه ای	۸۱
گفتار اول: ایالات متحده آمریکا	۸۱
گفتار دوم: ناتو	۸۵

گفتار سوم: رژیم صهیونیستی ..... ۸۸

## فصل چهارم: جایگاه قفقاز جنوبی در سیاست خارجی اتحادیه اروپا

بخش اول: چالش های اتحادیه اروپا در حوزه قفقاز جنوبی ..... ۹۰

گفتار اول: تهدیدات امنیتی اتحادیه اروپا ..... ۹۰

بخش دوم: اهمیت قفقاز جنوبی در سیاست خارجی اتحادیه اروپا ..... ۹۶

گفتار اول: عوامل موثر در تدوین راهبرد اتحادیه اروپا در قفقاز جنوبی ..... ۹۶

بخش سوم: اقدامات اتحادیه اروپا در حوزه قفقاز جنوبی ..... ۱۰۱

گفتار اول: الحاق سه جمهوری قفقاز جنوبی در سیاست همسایگی اروپا ..... ۱۰۱

گفتار دوم: انتصاب نماینده ویژه اتحادیه اروپا در قفقاز جنوبی ..... ۱۰۲

## فصل پنجم: اهداف سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قفقاز جنوبی

بخش اول: دموکراسی سازی و تأمین ثبات در قفقاز جنوبی ..... ۱۰۷

گفتار اول: دموکراسی سازی و گسترش ارزش های اروپایی ..... ۱۰۷

گفتار دوم: گسترش حقوق بشر ..... ۱۰۹

گفتار سوم: تأمین ثبات و امنیت ..... ۱۱۱

بخش دوم: دستیابی به منابع انرژی منطقه دریای خزر ..... ۱۱۵

گفتار اول: وابستگی اتحادیه اروپا به منابع انرژی روسیه ..... ۱۱۵

گفتار دوم: سیاست انرژی روسیه در قبال اتحادیه اروپا ..... ۱۱۸



۱۲۱	گفتار سوم: تنوع بخشی به منابع تأمین انرژی
۱۲۴	نتیجه گیری
۱۲۸	منابع و مأخذ

# مقدمه

## بیان مسئله:

منطقه قفقاز جنوبی که در دوران حاکمیت هفتاد ساله اتحاد جماهیر شوروی حیات خلوت و حوزه نفوذ این ابرقدرت بود، پس از فروپاشی آن مورد توجه قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای قرار گرفت که در این میان اتحادیه اروپا همواره توجه خاصی به کشورهای این حوزه داشته است. اتحادیه اروپا به عنوان یک قدرت مهم سیاسی و اقتصادی با گسترش سریع به شرق، به مرزهای قفقاز رسیده و این در حالی است که منطقه فوق به سبب برخی ملاحظات ناسیونالیستی، حاکمیت دولتهای غیر مستقل و منازعات منطقه ای نظیر بحران قره باغ، آبخازیا و اوستیای جنوبی فاقد ثبات سیاسی است که این امر در بلند مدت می تواند امنیت اتحادیه اروپا را با چالش مواجه سازد. با وضع اولویت های سیاسی و اقتصادی اتحادیه اروپا به ویژه در زمینه انرژی، تجارت و امنیت، منطقه فوق بتدریج اهمیت بیشتری پیدا نموده و این امر سبب نزدیکی بیشتر اتحادیه اروپا به حوزه قفقاز جنوبی و توجه بیشتر به مسائل این منطقه بخصوص ایجاد ثبات و امنیت در منطقه شده است. بنابراین اروپائیان به قفقاز جنوبی به عنوان یکی از مناطق حساس جهان می نگرند که در دهه های آینده در تأمین منافع آنان نقش کلیدی خواهد داشت و با وقوف به اهمیت همه جانبه این منطقه، در همه عرصه ها تلاش نموده اند تا زمینه حضور خود را فراهم نمایند. از سوی دیگر ترکیه نیز در صدد پیوستن به اتحادیه اروپاست و مذاکرات برای الحاق آن به اتحادیه اروپا آغاز شده و در صورت عملی شدن آن، نقش اتحادیه اروپا در تحولات منطقه ی قفقاز جنوبی بیشتر خواهد شد.

## اهمیت و ضرورت تحقیق:

با وجود اهمیت موضوع، در دانشگاه های کشور کمتر به این منطقه پرداخته شده و غالباً در مراکز تحقیقاتی مقالاتی به صورت پراکنده و غیر منسجم نوشته شده در حالی که برای تقویت بدنه سیاست خارجی و اصلاح ضعف های گذشته، انجام پژوهش های وسیع جهت بررسی سیاست و فعالیت کشورها و اتحادیه هایی همچون اروپا، در نفوذ موثر به منطقه قفقاز بسیار ضروری است. نگارش یک اثر علمی در این زمینه، گویای نوآوری در عرصه سیاست خارجی اتحادیه اروپا در منطقه قفقاز جنوبی می باشد. چنین تحقیقاتی می تواند چراغ راهی برای کشف راهکارهای موثر حضور و ایفای نقش فعال در جهت کسب منافع چشمگیر در این حوزه که به نوعی حیات خلوت ایران محسوب می گردد، باشد.

## اهداف تحقیق:

هدف از این تحقیق بررسی ریشه ها و زمینه های توجه روز افزون اتحادیه اروپا به منطقه قفقاز جنوبی و بررسی تحولات سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشورهای قفقاز جنوبی و تأثیر آن بر مسائل سیاسی-امنیتی و اقتصادی اتحادیه اروپا می باشد. در این پژوهش تلاش خواهد شد تا سیاست خارجی اتحادیه اروپا در حوزه قفقاز جنوبی به صورت جدا از مجموعه غرب و آمریکا و در چارچوب نظریه مطالعات منطقه ای با تأکید بر اندیشه های کانتوری و اشیگل و در مقطع زمانی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تا سال ۲۰۱۰ مورد بررسی قرار گیرد.

## سوالات و فرضیه تحقیق:

### سوال اصلی:

سیاست خارجی اتحادیه اروپا در حوزه قفقاز جنوبی بعد از ۱۹۹۰ از چه عواملی نشأت می گیرد؟

### سوالات فرعی:

۱- اتحادیه اروپا در منطقه قفقاز جنوبی چه منافع را دنبال می کند؟

۲- قفقاز جنوبی چه جاذبه های اقتصادی برای اتحادیه اروپا دارد؟

۳- کشورهای قفقاز جنوبی با چه بحران هایی مواجه هستند و این بحران ها چه تأثیری بر امنیت اتحادیه اروپا

دارد؟

۴- قدرت های منطقه ای و فرا منطقه ای در حوزه قفقاز جنوبی دارای چه منفعی می باشند؟

### فرضیه تحقیق:

بعد از ۱۹۹۰ ضرورت امنیت انرژی و گسترش دموکراسی نقش تعیین کننده در شکل دادن به سیاست خارجی

اتحادیه اروپا در حوزه قفقاز جنوبی داشته است.

## متغیرهای تحقیق:

متغیر مستقل: سیاست خارجی اتحادیه اروپا

متغیر وابسته: حوزه قفقاز جنوبی

## روش تحقیق:

در نگارش این پایان نامه از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده و روش گردآوری اطلاعات نیز به صورت

کتابخانه ای می باشد.

## تعریف واژگان تحقیق:

**اتحادیه اروپا:** فدراسیون سیاسی و اقتصادی که در سال ۱۹۵۷ با عنوان جامعه اقتصادی اروپا و با هدف ایجاد

وحدت اقتصادی، توسعه اجتماعی و در نهایت وحدت سیاسی میان کشورهای دموکراتیک اروپا تشکیل شد. این

واحد فراملی با اعلامیه واحده در سال ۱۹۸۶ به جامعه اروپا و از پیمان ماستریخت در سال ۱۹۹۲ به اتحادیه اروپا

تغییر نام داد (Moravcsik, 1998: 36).

**قفقاز جنوبی (ماوراء قفقاز):** منطقه ای بین دریای خزر در شرق، دریای سیاه در غرب، روسیه در شمال و

جمهوری اسلامی ایران در جنوب و مرکب از سه کشور «آذربایجان»، «ارمنستان» و «گرجستان» که جمعیت آن در

حدود ۱۶ میلیون نفر می باشد (امیر احمدیان، ۱۳۷۶: ۲۴).

**سیاست خارجی:** عبارت از استراتژی یا خط مشی است که به وسیله تصمیم گیرندگان یک کشور در رابطه با سایر کشورها یا موجودیت های بین المللی طرح ریزی می شود و منظور از آن دستیابی به اهداف ویژه ای است که بر پایه منافع ملی تعریف و مشخص شده اند (هالستی، ۱۳۷۳، ص ۱۶۴).

**سیاست همسایگی اروپا:** راهبرد کلی اتحادیه اروپا در قبال همسایگان خود که مجموعه ای است از قراردادهای متقابل بین این اتحادیه و همسایگان آن در جنوب مدیترانه و شرق اتحادیه که با هدف گسترش صلح، امنیت، رفاه و رفع تهدیدات موجود در همسایگی اتحادیه اروپا از سال ۲۰۰۴ به مرحله اجرا در آمد (Farrell, 2009: 94).

### پیشینه تحقیق:

در مورد موضوع مورد بحث هیچ اثر مستقلی در چارچوب کتاب یا پایان نامه موجود نمی باشد، اما با این حال تعداد محدودی مقاله به زبانهای فارسی و انگلیسی نوشته شده که به چند مورد از آن اشاره می شود:

۱- **سیاست جدید اتحادیه اروپایی در قبال قفقاز جنوبی و تأثیرات آن بر تحولات این منطقه،** نوشته جواد حیدری. این مقاله به بررسی سیاست ها و اقدامات اتحادیه اروپایی در قبال منطقه قفقاز جنوبی بعد از تصویب سیاست همسایگی و تأثیر آن بر انقلاب های رنگین می پردازد. نویسنده مقاله معتقد است که شورای روابط خارجی اتحادیه اروپا در ژانویه ۲۰۰۴ با توجه به افزایش اعضای اتحادیه به ۲۵ کشور، سیاست جدیدی تحت عنوان سیاست همسایگی با مناطق پیرامونی این اتحادیه را اتخاذ نمود. این سیاست با توجه به گسترش اتحادیه به اروپای شرقی و مرکزی کشورهای قفقاز جنوبی را در بر می گیرد.

۲- گسترش اتحادیه اروپا به قفقاز جنوبی: رویا یا واقعیت، نوشته حسن عسگری. در این مقاله نویسنده تمایل اتحادیه در الحاق کشورهای اروپای شرقی و حتی کشورهای بالتیک و قفقاز جنوبی را مطرح کرده است. نویسنده در صدد است تا نشان دهد که الحاق کشورهای قفقاز تا چه حد رویا یا واقعیت است، لذا به بررسی اهمیت اقتصادی و ژئوپلیتیکی این منطقه و سپس رهیافت های موجود در اروپا نسبت به قفقاز جنوبی و منافع اتحادیه و اهداف آن در گسترش به این منطقه اشاره نموده است.

۳- منافع اروپا در قفقاز، نوشته اسوانته کورنل و فردریک استار، ترجمه سعیده موسوی. در این مقاله به بی توجهی و حضور کم رنگ اروپا در قفقاز در دهه نخست استقلال این کشورها اشاره شده و با بیان عوامل افزایش اهمیت قفقاز همچون قطع گاز روسیه به غرب، جنگ چین و وقوع انقلاب های رنگی در گرجستان و اوکراین، معتقد است که منافع اتحادیه اروپا در منطقه قفقاز در سه موضوع دموکراسی سازی، انرژی و امنیت می باشد.

## مشکلات تحقیق:

فقدان اثری مستقل و مدون در این موضوع که در قالب یک نظریه علمی به اهداف سیاست خارجی اتحادیه اروپا در حوزه قفقاز جنوبی پردازد بسیار مشهود است. از سوی دیگر سابقه نسبتا کوتاه استقلال جمهوری های قفقاز جنوبی و کمبود منابع موجود و مرتبط با موضوع تحقیق و مباحث تکراری از جمله مشکلات و موانع اصلی این تحقیق می باشد.



## تقسیم بندی مطالب:

این تحقیق از پنج فصل تشکیل شده است. در فصل اول، سیاست خارجی اتحادیه اروپا در حوزه قفقاز جنوبی از نظر تئوریک و بر اساس نظریه های همگرایی با تأکید بر اندیشه های کانتوری و اشیگل مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل دوم، ژئوپلیتیک این حوزه بر مبنای جاذبه های اقتصادی، چالش های سیاسی-امنیتی و جمهوری های آن بررسی شده است. در فصل سوم اهداف سیاست خارجی بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای در این حوزه مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل چهارم جایگاه قفقاز جنوبی در سیاست خارجی اتحادیه اروپا مورد تحلیل قرار گرفته و در فصل پنجم اهداف سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قفقاز جنوبی بررسی شده است و سرانجام به این نتیجه به دست آمده که دموکراسی سازی، تأمین و ثبیت امنیت و تأمین انرژی مهمترین عوامل تشکیل دهنده سیاست خارجی اتحادیه اروپا در حوزه قفقاز جنوبی می باشند.

**فصل اول**

**چارچوب تئوريڪ**

**سياست خارجي اتحاديه اروپا**

## بخش اول: تئوری همگرایی در روابط بین الملل

همگرایی<sup>۱</sup> عبارت از فرایندی است که طی آن واحدهای سیاسی به صورت داوطلبانه از اعمال اقتدار تام خویش برای رسیدن به هدف های مشترک صرف نظر کرده و از یک قدرت فوق ملی پیروی می کنند. انگیزه اصلی دولتها برای چنین همکاریهای نزدیک، دسترسی به منافع و امکاناتی است که پیش از ورود به فرایند همگرایی دست یافتن به آنها برایشان غیر ممکن بود (Moravcsik, 1998: 3). به رغم وجود اختلاف نظرهایی در مورد متغیرهای اصلی همگرایی، بسیاری از پژوهشگران نظرهای مشترکی درباره موضوع هایی چون نقش نهادها و نخبگان، کم و کیف مبادلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، ایجاد یک نوع اجتماع فوق ملی و حرکت های یکپارچه کننده و انسجام دهنده ارائه می دهند (قوام، ۱۳۷۰: ۲۲۳). تئوری های همگرایی همواره سعی کرده اند روابط عینی میان نظریه و واقعیت را برقرار سازند از این رو جامعه اقتصادی اروپا نقطه شروع و مطالعه غالب این نظریه پردازیهاست؛ زیرا همگرایی منطقه ای، نخستین بار با تأسیس جامعه ذغال و فولاد<sup>۲</sup> در سال ۱۹۵۲ از اروپا شروع شد (Laursen, 2008: 3).

### گفتار اول: تعریف همگرایی منطقه ای

در اغلب موارد از همگرایی به عنوان شیوه ای برای حل و فصل درگیریهای منطقه ای و بین المللی یاد شده که طی آن بتدریج واحدها و مناطق دیگر را شامل شده و در بلند مدت باعث بسط و گسترش انترناسیونالیسم می شود. همگرایی را با توجه به مفهوم آن می توان در دو سطح متفاوت مورد مطالعه قرار داد یکی در سطح ملی (درون جوامع) و دیگری در سطح منطقه ای. همگرایی در سطح ملی به ارزیابی موفقیت یا شکست در ایجاد

<sup>1</sup> -Integration

<sup>2</sup> -European Coal and Steel Community

احساس ملیت واحد در جوامع تازه استقلال یافته می پردازد که بیشتر می توان آن را در مورد دولت های غربی از قبیل کانادا، بلژیک و سوئیس به بحث گذاشت که از نظر داخلی از بخش های جداگانه با زبانها، مذاهب و نژادهای مختلف تشکیل شده اند (Libber, 1972: 39). در سطح منطقه ای، همگرایی فرایندی است که بر اساس آن دولت های مستقل فعالیت های سیاسی، انتظارات و تعهدات خود را به سوی مرکز جدید سوق می دهند. این مرکز جدید که یک نهاد «فوق ملی» است در قبال دولت های مستقل اعمال قدرت می کند و مراکز قبلی، یعنی دولت ها که تعهدات خود را به مرکز جدید یعنی نهاد «فوق ملی»<sup>۱</sup> واگذار کرده اند از این مرکز تبعیت می کنند. منظور از همگرایی در این دیدگاه، فرایندی است که در نتیجه آن، در نهایت «وحدت سیاسی»<sup>۲</sup> یا «ادغام سیاسی»<sup>۳</sup> دو یا چند واحد سیاسی با یکدیگر تحقق می یابد و واحدهای سیاسی جدیدی در اشکال مختلف متولد می شوند (Plano and Alton, 1988: 306). با مطرح شدن همگرایی به عنوان یک تئوری، تلاش های زیادی از سوی نظریه پردازان روابط بین الملل برای ارائه تعریفی از همگرایی و مشخص نمودن حدود و ثغور آن صورت گرفت اما به علت وجود متغیرهای زیادی که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بر روند همگرایی اثر می گذارند و همچنین مشخص نمودن برخی از پارامترها که روند همگرایی را از دیگر روندهای مشابه و نزدیک با همگرایی جدا می سازند، اجماعی در این زمینه صورت نگرفت. نظریه پردازان روابط بین الملل با توجه به تجربه اروپای غربی در ایجاد بازار مشترک، موضوع همبستگی یا همگرایی را گاه به عنوان یک «فراگرد»<sup>۴</sup> و گاه به عنوان یک «وضعیت نهایی»<sup>۵</sup> یا «محصول نهایی»<sup>۶</sup> وحدت سیاسی در روابط واحدهای مستقل ملی تعبیر کرده اند. این تفاوت

---

<sup>1</sup> -Supranational

<sup>2</sup> -Political Unification

<sup>3</sup> -Political Integration

<sup>4</sup> -Process

<sup>5</sup> -Terminal Condition

<sup>6</sup> -End Product